



برگزاری شب آنا آخماتووا در خانه هنرمندان

شب‌های بخارا، در ادامه برنامه‌های فرهنگی خود، میراث ادبی آنا آخماتووا، شاعر برجسته روسی را بررسی می‌کند. در این نشست احمدپوری، روشنگر آرامش، فرزانه قوجلو و علی دهباشی سخنرانی می‌کنند. برنامه شب آخماتووا امروز در تالار استاد جلیل شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. نخستین مجموعه شعر آخماتووا با عنوان «شامگاه» در سال ۱۹۱۲ انتشار یافت. او به همراه نیکلای گومیلیوف، اوسیب ماندلشتام و گروهی از همفکران خود در بنیان‌گذاری مکتب آکمه‌ایسم مشارکت داشت. از دیگر آثار شاخص او می‌توان به «تسبیح» و «فوج سپیدبالان» اشاره کرد. آخماتووا سال‌ها با فشارهای سیاسی، تنگنای مالی و محدودیت‌های آموزشی برای فرزندش مواجه بود و پس از مرگ استالین، با گشایش نسبی فضای فرهنگی، دوباره به محفل شاعران بازگشت و در سال ۱۹۶۴ جایزه ادبی جامعه نویسندگان اروپا و در ۱۹۶۵ دکترای افتخاری دانشگاه آکسفورد را دریافت کرد.



تدوین مجدد فیلم آخر نیل رمزی

فیلم «بمیر، عشق من» (Die, My Love) به کارگردانی لین رمزی، پس از نمایش در جشنواره کن ۲۰۲۵ وارد مرحله تدوین مجدد شده است. این وضعیت یادآور تجربه قبلی رمزی، یعنی فیلم «تو هرگز واقعاً اینجا نبودی» است که در سال ۲۰۱۷ به شکل دیرینه‌نگام به کن فرستاده شد و حتی بدون تیتراژ پایانی روی پرده رفت، باین حال نقدهای درخشانی از جشنواره گرفت. برخی منتقدان از آشفتگی روایی فیلم انتقاد کرده‌اند و به همین دلیل رمزی تصمیم گرفته، دوباره به اتاق تدوین برگردد تا ساختار و لحن فیلم را بازاریابی کند. داستان این فیلم درباره گریس با بازی جنیفر لاورنس است که پس از تولد فرزندش، وارد سرانشیبی روانی می‌شود. نیل رمزی، کارگردان اسکاتلندی است که در آثارش به‌خوبی به مسائل نوجوانان و والدین آنها می‌پردازد و با فیلم‌هایی مانند «باید درباره کوین صحبت کنیم» و «شکارچی موش»، به‌عنوان کارگردانی صاحب‌سبک شناخته می‌شود.



حمایت خانه اپرای بریتانیا از غزه

خانه اپرای سلطنتی بریتانیا (RBO) اعلام کرد که تولید اپرای «توسکا» در سال ۲۰۲۶ را در تل‌آویو لغو کرده است. این تصمیم پس از آن گرفته شد که اعضای از این سازمان به‌دلیل برگزاری برنامه‌هایی در اسرائیل انتقاد کردند. هفته گذشته حدود ۲۰۰ نفر از اعضای باله و اپرای سلطنتی بریتانیا در نامه‌ای سرگشاده به مدیر اپرا، او را به اعمال استانداردهای دوگانه متهم کردند و نوشتند، این سازمان پس از تهاجم روسیه به اوکراین، به‌سرعیت با اوکراین ابراز همبستگی کرد، اما در مورد غزه سکوت کرده است. ماه گذشته در پرده آخر، یکی از اجرهای خانه اپرای سلطنتی بریتانیا یکی از اجراکنندگان پرچم فلسطین را باز می‌کند که با بر خورد خشونت‌بار دست‌اندرکاران سالن روبه‌رو شد. معترضان در نامه خود نوشته‌اند، اپرای اسرائیل به‌طور علنی بلیت رایگان به سربازان ارتش دفاعی اسرائیل «در قدردانی از کارشان» ارائه کرده و RBO نباید اجازه دهد تولید و دارایی فکری‌اش در فضایی به نمایش درآید که نیروهای مسئول کشتار روزمره غیرنظامیان در غزه را آشکارا پاداش می‌دهد و مشروعیت می‌بخشد.



عکس: عمید قراهی / خبرگزاری آنا

از هنر کوچک تا شکوه بزرگ

استاد محمود فرشچیان احیاگر نگارگری ایرانی و نوآوری بی‌بدیل هنر سنتی به جهان دیگر شد

و معنوی عمیقی است که در بطن نگارگری ایرانی نهفته مانده بود. او با حفظ این پیام‌ها و در کنار آن، بسط خلاقیت‌های فردی، هنر ایرانی را به مرحله‌ای از بلوغ رساند که توانست در عرصه هنرهای جهانی به دیده احترام و تحسین نگریسته شود. خودش می‌گفت: «همیشه وقتی پشت میز کارم می‌نشستم احساس می‌کنم یک جوان نقاش ۵۰-۴۰ ساله و مشتاق هستم. گاهی بی‌وقفه تا سه بعد از نیمه‌شب کار می‌کنم. می‌توانم ادعا کنم من همیشه در خود «حال» هستم. حال خاصی که هنرمند را به آفرینش دچار می‌کند.»

او از همان سنین کودکی، کار هنر را آغاز کرد و با نگاهی نوآورانه، نقاشی سنتی ایرانی را به سطحی فراتر بُرد و آثاری خلق کرد که به‌واسطه‌ی ترکیب عناصر کلاسیک و تکنیک‌های مدرن و ارتباط عمیق با ادبیات، شعر و دین، جایگاه ویژه‌ای در هنر ایران و جهان یافتند و برای همین است که فرشچیان را جدای از یک هنرمند برجسته، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین احیاگران هنر نگارگری ایرانی، مربی، مبدع و مدافع اصلی نگارگری می‌دانند که توانست این هنر را از خطر فراموشی نجات دهد و آن را به‌عنوان هنری زنده و پویا در جهان معاصر معرفی کند.

به ذخیره‌ی گران‌بهای هنر ایرانی، بار افزون‌تری بخشید. نوآوری‌های استاد فرشچیان، برخاسته از عمق شناخت او نسبت به ریشه‌ها و رمز و راز هنر نگارگری، نه‌تنها دنباله‌روی صرف سنت نبود؛ بلکه استغنائی بر آن بود؛ استغنائی که به‌معنای بی‌نیازی از تقلید و بازتولید صرف شیوه‌های پیشین و در عین حال احترام به آنها بود. او با خلق ترکیب‌بندی‌های تازه و گسترده‌تر، پرداخت‌هایی ظریف و معاصر و به‌کارگیری رنگ‌هایی درخشان و موج‌دار، به این هنر روحی نو بخشید و آن را از قالب محدود «خُرد» و «کوچک» رها کرد و به «بزرگی»‌ای که شایسته‌اش بود، رساند.

بدین‌ترتیب فرشچیان توانست هنر نگارگری را از حاشیه به متن فرهنگ و هنر ایران بازگرداند و آن را به‌عنوان هنری مستقل، تمام‌عیار و زنده که می‌تواند با زبان امروزی سخن بگوید و مخاطب جهانی بیابد، معرفی کند. این هنر اکنون دیگر نه‌تنها جلوه‌ای از تصویرسازی ظریف و دقیق نیست، بلکه بیانگر جهان‌بینی، فلسفه و روح هنر ایرانی در قرن معاصر است؛ هنری که در آن هر خط، هر نقش و هر رنگ، سخن از اصالت و بداعت به زبان تصویری خود دارد.

استاد فرشچیان درواقع میراث‌دار پیام‌های فرهنگی

آثار فرشچیان
ترکیبی از خطوط
نرم، روان و پیوسته
با ترکیب‌بندی‌هایی
دقیق و پر از
پیچیدگی‌های
هندسی دایره‌وار
بود. در تمام
طرح‌هایش بر
منحنی‌ها و مدور
بودن تأکید داشت
که از نظرش:
«زندگی در حال
چرخش و گردش
است و تمام هستی
در حال حرکت
بر سیری دایره‌وار
است



سما بابایی

روزنامه‌نگار موسیقی

اهل فرهنگ، نگارگری ایرانی را «Miniature» یا «هنر کوچک» می‌نامیدند، گویی این هنر را به مقامی حقیر و خرد تنزل داده بودند؛ اما ژرف خود، مردی به دنیا آمد که با تبحری ویژه و نگاه ژرف خود، این هنر را از آن سایه‌سار کوچک بیرون کشید و به شکوه و بزرگی اصیل‌اش بازگرداند، جایگاهی والا و شایسته که همواره سزاوار آن بود. «محمود فرشچیان» امروز به جهان دیگر شد که سرنوشت محتوم هر آدمی همین است و مرگ تنها عدالت جهان است بر همه‌ی آدمیان از شاه و گدا و هنرمند و سفله؛ اما آن‌چه آدمیان در طول زندگی خویش بر جای می‌گذارند، گاه برای همیشه می‌ماند و گاه آدمی چونان می‌رود که انگار هیچ‌گاه در این جهان نزیسته است. در این وانفسا اما بی‌تردید، فرشچیان راه سنت دیرین نگارگری را استوارانه پی گرفت و همچون خوشنویسانی که به غنای میراث خط فارسی افزودند،

سفیر بی‌بدیل رنگ و خیال در فرهنگ ایرانی

«عصر عاشورا» یکی از شاهکارهای اوست که روایتی تصویری از واقعه کربلا ارائه می‌دهد. در این اثر، به‌جای تمرکز بر صحنه‌های خونین، بر احساسات سوگ و اندوه حیوانات و فضای آسمانی تأکید شده است. «ضامن آهو» اثر دیگری است که با رنگ‌های گرم و خطوط روان، مهربانی و کرامت امام رضا (ع) را به تصویر می‌کشد. «شمع جمع» نماد وحدت و همدلی است که با حرکات هماهنگ فیگورها به نمایش درآمده و «پنجمین روز آفرینش» تلفیقی از اسطوره، عرفان و تخیل شاعرانه با معماری پیچیده بصری است. فرشچیان با آثار خود توانست هنر نگارگری را از حالت کهن‌الگو و صرفاً تاریخی خارج کرده و آن را به جریان زنده هنر معاصر ایران تبدیل کند. او نه‌تنها هنرمند بلکه سفیر فرهنگی ایران در جهان بود. آثارش در موزه‌های بزرگ جهان مانند لسور، متروپولیتن و هنرهای معاصر تهران به نمایش گذاشته شده و توجه بسیاری از منتقدان و هنرشناسان را جلب کرده است. در کنار فعالیت‌های هنری، فرشچیان سال‌ها به آموزش هنر پرداخت و شاگردان بسیاری را پرورش داد. رویکرد او در آموزش، فراتر از تکنیک‌های نگارگری بود و به پرورش نگاه هنری و درک عمیق هنر توجه داشت. گفته بود: «اثر هنری باید از دل برآید تا بر دل بنشیند.» این فلسفه در آثارش نیز مشهود است. نگاه دقیق به آثار فرشچیان نشان می‌دهد که او با مهارت، تکنیک‌های غربی را در خدمت هنر سنتی ایرانی گرفت. بهره‌گیری از پرسپکتیو چندگانه، کنترل دقیق نور و سایه، و شناخت عمیق آناتومی، به آثاری منجر شد که هم زیبا

کرد. استادان بزرگی مانند عیسی بهادری، راهنمای او در فراگیری فنون نگارگری و تذهیب بودند. علاقه شدید به مطالعه آثار قدما مانند کمال‌الدین بهزاد و رضا عباسی، او را به دنیایی ژرف از هنر ایرانی برد که روح و معنویت در آن موج می‌زد. در دهه ۱۳۳۰، فرشچیان به تهران آمد و در اداره هنرهای زیبا مشغول به کار شد. فعالیت در این نهاد، فرصتی برای آشنایی با اساتید دیگر و گسترش افق‌های هنری او بود. همچنین، در مرمت آثار کهن نیز مشارکت داشت که این تجربه، آشنایی عمیق‌تری با تکنیک‌ها و مواد هنری برایش به ارمغان آورد. اما شاخص‌ترین ویژگی فرشچیان، جسارت در شکستن قواعد سنتی نگارگری بود. او با تلفیق شیوه‌های کلاسیک ایرانی و تکنیک‌های مدرن غربی مانند پرسپکتیو، حجم‌پردازی و نورپردازی، زبان بصری تازه‌ای را بنیان نهاد که در عین احترام به سنت، نوآوری در آن موج می‌زد. سبک فرشچیان متمایز و درخشان است. او خطوط را همچون امواج سیال و روان به حرکت درمی‌آورد و رنگ‌ها را با دقتی اعجاب‌انگیز ترکیب می‌کند. طیف رنگی آثار او از آبی‌های فیروزه‌ای و زمردی تا طلایی و قرمز لاک‌ی، جذابیت و حیات خاصی به آثار می‌بخشد. در آثارش، استفاده هوشمندانه از فضای مثبت و منفی، ترکیب‌بندی را متعادل و چشم‌نواز کرده است. ازسوی دیگر، موضوعات آثار فرشچیان اغلب برگرفته از متون دینی، اشعار عرفانی و داستان‌های اسطوره‌ای ایرانی است. این موضوعات در آثارش جلوه‌ای شاعرانه، معنوی و تأمل‌برانگیز پیدا کرده‌اند. تابلوهایی مانند



حسین نوروزی

پژوهشگر حوزه مطالعات هنر

در میان هنرمندان برجسته ایرانی، کمتر کسی است که نام‌اش به اندازه محمود فرشچیان با هنر نگارگری ایرانی گره خورده باشد. استاد فرشچیان، هنرمند و مینیاتوریستی که نه‌فقط در ایران بلکه در جهان شناخته شده است، با ترکیب استادانه سنت و نوآوری، یکی از آخرین بازماندگان مکتب بزرگ نگارگری ایران به‌شمار می‌رود. خبر درگذشت ایشان که به‌تازگی منتشر شده است، جامعه هنری ایران و دوستداران هنر را در اندوهی عمیق فروبرد. در این مقاله تلاش می‌کنیم به زندگی، آثار، سبک هنری و تأثیرات گسترده این استاد بزرگ بپردازیم. محمود فرشچیان در چهارم بهمن‌ماه ۱۳۰۸ در اصفهان، شهری که به مهد هنر و فرهنگ ایران مشهور است، چشم به جهان گشود. اصفهان با تاریخ کهن و معماری باشکوه، بستر پرورش بسیاری از هنرمندان نامی ایران بوده است. پدر فرشچیان، حاج غلامرضا، تاجر فرش بود و همین محیط فرهنگی و هنری خانواده، زمینه‌ساز شکل‌گیری علاقه محمود به هنر شد. او از کودکی مجذوب رنگ‌ها و نقش‌های قالی‌های ایرانی بود که در خانه و بازار اصفهان می‌دید. فرشچیان تحصیلات خود را در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان آغاز